دفاع تمام قد از اسلام

حکم بر اعدام شرک

■ امیرعلی جهاندار ■

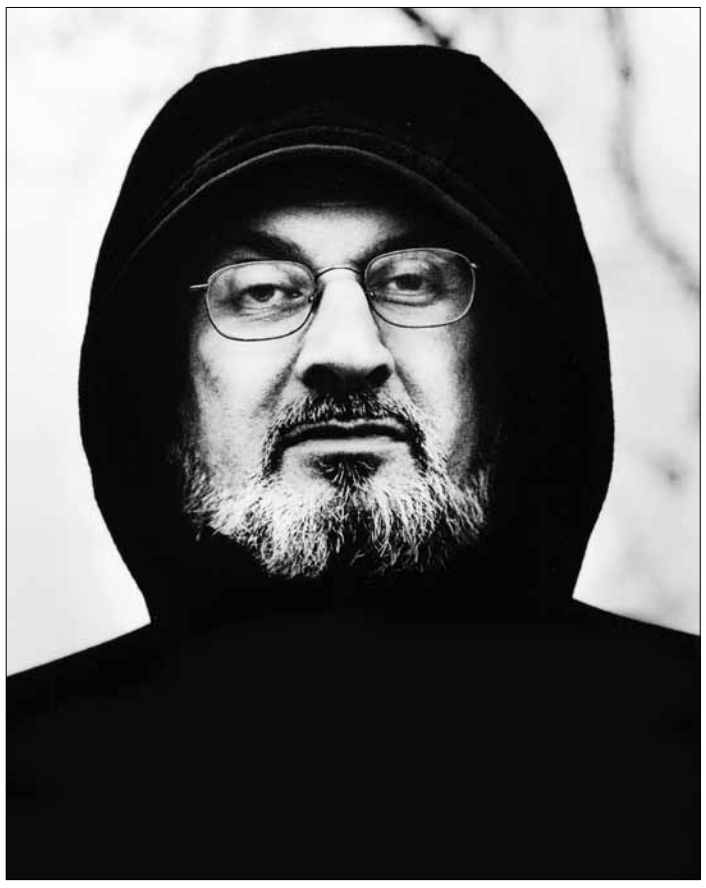

اشـاره: برخی مخالف حکم علنی امام بودند؛ برخی می‌گفتند امام از خیر این ماجرا بگذرد، توصیه می‌شد این کار چهره رحمانی اسلام را خراب می‌کند اما امام مصمم به انتشـار نامه بودند، نامه‌ای علیه «سلمان رشدی» نویسنده کتاب «آیات شیطانی» که حکم به ارتداد آن داده شده بود. بیان تاریخ بویژه برای کسانی که امروز مواضع جمهوری اسلامی درباره غرب بویژه آمریکا و انگلیس را تنـدروی و افراطی(!) می‌دانند، می‌تواند درس خوبی باشد.

■ **مقدمه**

مهرمـاه ۱۳۶۷ کتابـی تحـت عنـوان «آیات شـیطانی» به قلم «سلمان رشـدی» که در قالب رمان، آکنده از اهانت‌ها و افترائات زشـت و ننگین به سـاحت مقدس پیامبـر اعظـم(ص) و خانواده و اصحاب شـریف ایشان بود و اسـلام و قرآن را با تعابیر سـخیف توصیف کرده بود، در لندن توسط انتشارات وایکینگ وابسته به مؤسسه پنگوئن انتشار یافت. کتاب این نویسنده که هندی‌تبار بود، ابتدا در هندوستان جلب توجه کرد و انتشار و توزیع آن به علت اعتراضات مسلمانان در هند ممنوع شد. طی هفته‌های بعد، نویسندگان آفریقای جنوبی به احترام عواطف مسلمانان، دعوت قبلی از وی را لغو کردند و سفرای چند کشور اسلامی و عربی در لندن به دولت انگلیـس اعتراض کردند. در ماه‌هـای دی و بهمن جمع زیادی از مسلمانان مقیم انگلیس ابتدا در شهر برادفورد و سپس لندن در تظاهرات خشمگینانه‌ای به اقـدام دولت انگلیس در حمایت از انتشـار این کتاب موهن شدیداً اعتراض کردند. دامنه اعتراضات مردمی به هند و پاکستان گسترش یافت تا آنکه روز ۲۳ بهمن در جریان تظاهرات هزاران پاکستانی در مقابل مرکز فرهنگی آمریکا در اسـلام‌آباد، ۶ تن از تظاهرکنندگان کشته و ده‌ها تن نیز مجروح شدند. فردای آن روز در تظاهرات مسلمانان هند نیز یک نفر کشته شد. به‌رغم گذشت ۴ ماه از انتشار این کتاب و افزایش اعتراضات مسلمانان، دولت‌های انگلیس و آمریکا از تداوم توزیع و انتشـار این فحش‌نامه علیه اسلام و پیامبر گرامی آن(ص) حمایت می‌کردند و این پیام را با رفتار خود به جهان اسلام می‌فرستادند که برنامه‌های جدید دیگری برای گسـترش ابعاد حملات تبلیغی و فرهنگی علیه اسلام و مسلمانان آغـاز خواهند کـرد. پس از توزیع گسـترده کتاب موهن آیات شیطانی، همراه با تبلیغات هماهنگ و تشویق‌های محافل صهیونیسـتی، از گوشه و کنار جهان صدای اعتراض مسـلمانان افزایش یافت؛ از سـویی هشدارهایی به ناشـران داده شد و از سوی دیگر، اقداماتی حقوقی برای محدود کردن توزیع و انتشـار کتاب و محکومیت رشدی صورت گرفت و نقدهایی نیز بر این کتاب نوشته شد. البته طراحان و حامیان این اقدام، نه‌تنها به این هشدارها توجهی نکردند، بلکه بر دامنه تبلیغات خود افزودند تا جایی که مقدمات نامزد کردن این کتاب برای جوایز ادبی مهم اروپا مطرح شد. شبکه گسترده توزیع این کتاب در بیشـتر کشـورهای اروپایی، آمریکایی و بعضی کشورهای آسیایی با قراردادهای کلان برای ترجمه و توزیع آن، به تلاش پرداختند و در عرصه تبلیغاتی و با ایجاد حلقه‌های محافظتی، به حمایت علنی از او پرداختند.

■ **واکنش‌ها به انتشار آیات شیطانی در ایران**

اما در داخل ایران نگاه‌های متفاوتی به این مساله وجود داشت؛ قاطبه مردم اعتراضات وسیعی به این کتاب داشتند اما بخش بسیار اقلیت ملی‌گرا ضمن تقبیح این مساله برخوردهای محکم با آن را صلاح نمی‌دانستند، نهضت آزادی همانند دیگر جریان‌های ملی و مدعی برپایی دموکراسـی در ایران که از هر اقدام اسلامی منافی با عرف بین‌المللی و خوشایند غرب، برمی‌آشـوبد- هر چنـد از ضروریات احکام اسـلامی باشـد- در موضوع حکم ارتداد سـلمان رشدی، نویسنده کتاب آیات شیطانی نیز برآشفتند و آن را موجب زشت و کریه جلوه دادن چهره اسلام در جهان قلمداد کردند.

مهنـدس «بازرگان» کـه از آغاز به عنوان رهبر فکری و سیاسـی جمعیت نهضـت آزادی مطرح بـود، پا را از مرحله مخالفـت با این حکم به دلایل سیاسـی فراتر گذاشـته و در اصل صحت نسـبت ارتداد به سـلمان رشدی نیز تردید و تشکیک کرد. وی در جوابیه‌ای که به مقاله تعابیر خودسـاخته از اسلام، غباری بر چهره تابناک دین نوشته، با وجود اینکه در آغاز خشـم و غیرت اسلامی مردم ایران و دیگر کشورهای مسلمان را در مخالفت با رشدی و اهانت‌های او به ساحت مقدس پیامبر عظیم‌الشأن اسـلام (ص) مـورد تمجید قرار می‌دهـد و اذعان می‌دارد این عمل، جرأت و جسـارت ناسـزاگویی نسـبت به پیامبر بزرگوار اسلام و مقدسات آیین و امت اسـلامی را از مزدوران قلم به دست می‌ستاند اما وقتی پای مجامع جهانی و عرف بین‌المللی پیش می‌آید، اعلام حکم ارتداد و اعدام سـلمان رشدی را به سود مسلمانان نمی‌داند و آشکارا با این حکم به مخالفت‌برمی‌خیزد.

در ایـن میان امام تمام قامت در دفاع از اسـلام به میدان آمده بودند. اطرافیان توصیه‌هایی نزد امام آورده بودنـد که از بیان موضع تند خودداری کنند اما هیچکس خبر نداشت قرار اسـت امام آن اقدام انقلابی را انجام دهد.

برخی با شـنیدن اینکه امام قرار اسـت نامه‌ای منتشـر و حکم اعدام سلمان رشـدی را اعلام کند تلاش داشتند جلوی ایشان را بگیرند اما هیچکس نتوانست ایشان را از این اقدام منصرف کند. «ولایتی» وزیر وقت امور خارجه می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امام، تسـلیم‌ناپذیری و سازش‌ناپذیری ایشان در مقابل فشارهای داخلی و خارجی در حفظ اصول بود. اگر ایشان به چیزی معتقد بودند، پای آن می‌ایستادند. نمونه‌اش جنگ ایران و عراق بود. امام می‌فرمودند بالاخره باید مشـخص بشود چه کسی حمله کرده اسـت و متجاوز متنبه شـود. از داخل و خارج امام را تحت فشـار می‌گذاشـتند تا ثبات و پایداری امام برای دفاع در برابر تهاجم عراق سست شود. البته مردم عراق مقصر نبودند، آمریکایی‌ها و عوامل‌شـان، دیکتاتور معدوم عراق را به حمله وادار کردند. ثبات امام موجب شـد مـا در جنگ پیروز شویم. بارها شاهد پیشنهادهای گوناگون بودیم اما امام در مقابل همه پیشنهادهای سازش می‌ایستادند. درباره سلمان رشدی نیز واکنش ایشان تاریخی بود، بسیاری را بیدار کرد و به بسیاری دیگر شجاعت داد؛ در واقع جهان اسـلام را بیـدار کرد. من از نزدیکان امام با واسـطه شـنیدم وقتی امام ایـن موضوع را شـنیدند و فتوا دادند، در اتاق خود قدم می‌زدند و می‌گفتند دریغ از جوانی؛ یعنی اگر خود من جوان بودم، می‌رفتم و با سلمان رشدی می‌جنگیدم. این صلابت امام را در دفاع از ارزش‌های اسـلامی نشان می‌دهد. بازتاب واکنش امام در جهان اسلام مشهود است و نهضت مقابله با توهین به مقدسات اسلام در جهان جدی است». صدور حکم امام در ۲۵ بهمن ۶۷ با استقبال گسـترده‌ای در سراسر جهان اسلام روبه‌رو شـد و همه مسـلمانان را در دفاع از عزت و هویت دینی خود متحد و منسـجم کرد. گروه‌های مختلف مسـلمانان در تمام نقاط جهان، به خروش و حرکت درآمدند و بـا ابراز نفرت و انزجار خویش از این دسیسه استعماری، خواستار محاکمه رشدی و جمع‌آوری و ممنوعیت چاپ و انتشـار این کتاب شـدند. جهان غرب نیز ابتدا به پیروی از انگلیس و آمریکا در برابر مسـلمانان به صف‌آرایی سیاسی و تبلیغاتی دست زد ولی با افزایش هزینه اقدامات خود و احسـاس خطر جدی نسبت به منافع خویش در جهان اسلام به ناچار آرام‌آرام عقب‌نشینی کرد تا آنجا که پروژه آیات شیطانی بزودی به پروژه‌ای سوخته و بی‌فایده تبدیل شد.

صدور حکم امـام در سـال ۶۷ دامنه‌ها و ابعاد جنگی پنهان را آشکار کرد که با پیشتازی انگلیس برای تخریب بنیان ایمـان و اعتقادات بیش از یک میلیارد مسـلمان در حال شکل‌گیری بود و در گام اول با توهین و تعابیر ضداخلاقی علیه مقدسـات، غیرت و توان مقاومت فرهنگی مسـلمانان را مورد هجوم قرار داده بود تا زمینه حرکت‌های شـدیدتر و وسـیع‌تر بعدی فراهم شود. حکم امام که ابتدا در برخی رسانه‌ها فتوا خوانده می‌شد، از نظر هدف‌گیری انگلیس به عنوان پیش‌قراول هجوم غرب علیه اسلام و مسـلمانان، یادآور فتوای تحریم تنباکو توسـط مرحوم آیت‌الله‌العظمی «میرزای شیرازی» در زمان قاجار نیز بود که ضربه‌ای مؤثر بر استعمار انگلیس در ایران وارد کرد.

حکم امام بدین‌گونه بود: «نالله و انا الیه راجعون. به اطلاع مسـلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلـف کتاب آیـات شـیطانی که علیه اسـلام و پیامبر(ص) و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشـر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسـی جرأت نکند به مقدسـات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است؛ ان‌شاءالله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتـاب دارد ولی خود قدرت اعـدام او را ندارد، او را بـه مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسـد. والسـلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته». سایر مراجع دینی قم و مشـهد در حمایت از این حکم شرعی و اعلام اعتراض به انتشار این کتاب درس‌های خود را تعطیـل کردند. آیت‌الله «خامنه‌ای» در مسـند ریاست‌جمهوری وقت در یک پیام رادیویی به تبیین حکم امام پرداخت و حمایـت کامل دولت را از آن اعلام کرد. از سـوی دولت وقت نیز بیانیه‌ای انتشار یافـت که در آن، روز چهارشـنبه ۲۶ بهمن ۱۳۶۷ عزای عمومی اعلام شد. نمایندگان مجلس شورای اسـلامی نیز با صدور بیانیه‌ای از حکم امام حمایت کردند و اقشـار مختلف مردم و سـایر مسـؤولان حکومتی نیز با شیوه‌های گوناگون به حمایت از این حکم و اعتراض به حمایت انگلیس و آمریکا از اقدام علیه اسلام، پرداختند. تظاهرات مردمی در ایران و سایر کشورهای اسلامی آغاز شد و مسلمانان انگلیس اقدامات اعتراضی خود را گسترش دادند.

رسـانه‌های جهان اسـلام در اعتراض به انتشار کتاب بـه طـرح دیدگاه‌هـای سیاسـی و دینی شخصیت‌های مختلف و پوشش اعتراضات مردمی پرداختند. تظاهرات مسـلمانان در هند بار دیگر با خشونت نیروهای پلیس مواجه شد و ده‌ها مجروح بر جای گذاشت. برخی مقامات بلندپایه کشورهای مختلف اسـلامی در این باره اعلام موضع کردند و در تمام جهان اسلام و بسیاری از کشورهای دارای جمعیت وسـیع مسـلمان، عرضه و فروش کتاب آیات شـیطانی ممنوع اعلام شد. رهبران مذهبی کشـورهای مسـلمان تأکید کردند آزادی بیان به هیچ‌وجه به معنای مجوز هتک حرمت مقدسـات مسلمین نیسـت. در ایران، پاکستان و چند کشور اسـلامی از سوی بعضی شـخصیت‌ها و نهادهای مردمی برای اجرای حکم الهـی امام جوایز زیادی اعلام شـد تا غیرمسلمانان نیز به اجرای این حکم ترغیب شـوند و هرکس درصدد گام برداشـتن در مسیر آیات شیطانی باشد احساس امنیت در هیچ مکانی نداشـته باشد. بعضی رسانه‌های غربی برای تقلیل موضوع به یک تهدید شخصی و نجات جان سلمان رشدی، اینگونه شایع کردند که اگر سلمان رشدی توبه کند، حکم اعدامش لغو می‌شود اما دفتر امام خمینی(ره)، ۲۹ بهمن ۶۷ بلافاصله این خبر را اعلام کرد: «رسانه‌های گروهی استعماری خارجی به دروغ به مسؤولان نظام جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند که اگر نویسنده کتاب آیات شیطانی توبه کند حکم اعدام درباره او لغو می‌گردد. امام خمینی فرمودنـد: این موضوع صددرصد تکذیب می‌گردد. سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد، بر هر مسلمان واجب است با جان و مال تمامی همّ خود را به کار گیرد تـا او را به درک واصل گرداند. اگر غیرمسلمانی از مکان او مطلع گردد و قدرت این را داشـته باشد تا سریع‌تر از مسـلمانان او را اعدام کند، بر مسـلمانان واجب است آنچه را که در قبال این عمل می‌خواهد به عنـوان جایزه یا مزد عمل به او بپردازند». «سـازمان همکاری اسـلامی» با صدور بیانیه رسمی به انتشار کتاب آیات شیطانی اعتراض کرد و خواستار توقف انتشار و توزیع آن شد. بعضی رهبران مذهبی سایر ادیان نیز با اعلام نظر یا صدور بیانیه‌هایی با مسلمانان اظهار همبستگی و انتشـار این کتاب را در توهین به یک دین الهی محکوم کردند. کنفرانس‌ها و تشکل‌هایی از علمای عربستان سـعودی، کویت، لبنان، پاکستان، هند، مالزی، اندونزی، الجزایر، سـوریه، اردن، بنگلادش، مصر، ترکیه، و چند کشـور اسلامی دیگر با صدور بیانیـه به اعلام حمایت از حکم امام پرداختند یا با صدور فتاوای مسـتقل علما بر وجوب اجرای حکم الهی تأکید کردند. در بسیاری از کشورهای اسلامی از جملـه ایران کتاب‌ها و مقالات بسـیاری نیز در تبیین ابعاد توطئه آیات شـیطانی علیه اسـلام و تشـریح مبانی عقلانی و قرآنی و فقهی حکم الهی امام انتشار یافت.

■ **انفعال غرب در برابر موضع ایران**

بنا به تصمیم جامعه اقتصادی اروپا سطح روابط با ایران به پایین‌ترین حد خود تنزل داده شد و ابتدای اسـفند۶۷، سفرای ۱۲ کشور اروپایی به کشورهای خود فراخوانده شدند و هرگونه تماس در سطح بالا بـا دولت ایران را لغو کردند. دولت ایران نیز متقابلاً سفرای خود را از آن کشورها به تهران فراخواند. امام خمینی(ره) در پیام خویـش چنین تأکید کردند: «...آیات شیطانی کاری است حساب‌شده برای زدن ریشه دین و دینداری و در رأس آن اسلام... استکبار غرب شـاید تصور کرده اسـت از اینکه اسـم بازار مشترک و حصر اقتصادی را به میان بیاورد ما درجا می‌زنیـم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف‌نظر می‌نماییم».

۹ اسفند، مجلس شـورای اسلامی طی جلسه فوق‌العاده‌ای با اعلام یک ضرب‌الاجل یک هفته‌ای برای انگلیس، تداوم رابطه سیاسی با دولت انگلیس را بـه عذرخواهی مقامات انگلیسـی و تجدید نظر آنان در مواضع غیراصولی‌شـان نسـبت به جهان اسـلام و کتاب «آیات شیطانی»، مشروط کرد. بنا به این مصوبـه در صورتی کـه انگلیس در عرض یک هفته علیه انتشـار آیات شیطانی اعلام موضع نمی‌کرد، روابط سیاسـی و دیپلماتیک با آن کشور به طور کامل قطع می‌شـد. دولت انگلیس نیز در یک عقب‌نشـینی آشـکار اعلام کرد خواهان قطع روابط با ایران نیسـت و ۱۳ اسـفند «جفری هاو»، وزیر وقـت خارجه انگلیس بدون مخالفت با تداوم انتشـار آیات شیطانی و بدون محکوم کردن اهانت به مقدسـات مسـلمانان، اعلام کرد این کشور به اسـلام احترام می‌گذارد و خود را از ماجرای انتشار آیات شـیطانی جدا می‌داند. اما چون این اظهارات و موضع‌گیری‌ها فاقد عذرخواهی رسـمی و علنی لندن از مسـلمانان بود، ۱۶ اسفند ۶۷ وزارت امور خارجه ایـران طی بیانیـه‌ای در پایان مهلت یک هفته‌ای به دولت انگلیس برای اصلاح مواضع خود در قبال کتاب موهن آیات شـیطانی، به علت عدم تحقق خواسته مجلس شورای اسلامی، قطع کامل روابط سیاسـی ایران با انگلیـس را اعلام کرد. امام خمینی (ره) در یکی از پیام‌های خود درباره واکنش انفعالی غـرب در برابر اعلام حکـم الهی مجازات توهین به قرآن و پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین نوشتند: «راستی! به چه علت است که در پی اعلام حکم شرعی و اسلامی مورد اتفاق همه علما درباره یک مزدور بیگانـه، اینقدر جهان‌خواران برافروخته شـدند و سران کفر و بازار مشترک و امثال آنان به تکاپو و تلاش مذبوحانه افتاده‌اند؟ غیر از این نیست که سران استکبار از قدرت برخورد عملی مسلمانان در شـناخت و مبارزه با توطئه‌های شـوم آنان به هراس افتاده‌اند و از اینکه امروز مسلمانان، اسلام را یک مکتب بالنده و متحرک و پرحماسـه می‌دانند و از اینکه فضای شـرارت آنان محدود شده است و مزدبگیران آنان چون گذشته با اطمینان نمی‌توانند علیه مقدسات قلم‌فرسایی کنند، مضطرب شده‌اند... خیلی جالب و شـگفت‌انگیز است که این به ظاهر متمدنین و متفکران وقتی یک نویسـنده مزدور با نیـش قلم زهرآگین خود احساسـات بیش از یک میلیارد انسان مسلمان را جریحه‌دار می‌کند، عده‌ای در رابطه با آن شـهید می‌شـوند، برای ایشان مهم نیست و این فاجعه، عین دموکراسی و تمدن است، اما وقتی بحث اجرای حکم و عدالت به میان می‌آید، نوحه رأفت و انسان‌دوستی سر می‌دهند.

ما کینه دنیای غرب را با جهان اسـلام و فقاهت از همیـن نکته‌ها به دسـت می‌آوریـم. قضیه آنان قضیـه دفاع از یک فرد نیسـت، قضیـه حمایت از جریان ضداسلامی و ضدارزشی است که بنگاه‌های صهیونیستی و انگلیس و آمریکا به راه انداخته‌اند و با حماقت و عجله، خود را روبه‌روی همه جهان اسلام قـرار داده‌اند... اگر غفلت کنیم این اول ماجراسـت و اسـتعمار از این مارهای خطرناک و قلم‌بدسـتان اجیرشـده در آسـتین فراوان دارد... ترس من این است که تحلیلگران امروز، ۱۰ سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند پـس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت‌کنندگان به مقام مقدس پیامبر(ص) و اسلام و مکتب بگذریم».

جهاد اسلامی فلسطین در بیانیه‌ای صهیونیست‌ها را از چاپ و انتشـار آیات شـیطانی برحذر داشت. مقامات رژیم تروریست اسرائیل نیز به علت نگرانی از واکنش مسلمانان ساکن سرزمین‌های اشغالی، از یک مؤسسه انتشاراتی که درصدد ترجمه عبری و انتشار این کتاب بود، درخواست کردند در تصمیم خود فعلاً تجدیدنظر کند. اما روزنامه ساندی آبزرور فاش کرد یک تیم کارشناسان ویژه سازمان امنیتی اسرائیل از طرف نخست‌وزیر این رژیم برای حمایت از جان سـلمان رشـدی به لندن اعزام شده است. مدتی بعد در اواخر اسـفند ۶۷ در نمایشگاه کتاب تل‌آویو، کتاب آیات شیطانی نیز عرضه شد.

«مارگارت تاچر»، نخسـت‌وزیر مقبور انگلیس بدون محکومیت انتشار آیات شیطانی یا مخالفت با تداوم انتشار آن برای کاستن از امواج ضدانگلیسی در بین مسلمانان اعلام کرد: من درک می‌کنم که کتاب آیات شیطانی برای مسـلمانان عمیقاً توهین‌آمیز اسـت. ولی چندی بعد تلویزیون «بی‌بی‌سـی» با پخش فیلمی به نام ضیافت کفرگویان با قرار دادن سلمان رشدی در کنار نام مولیر و ولتر(نویسندگان مشهور فرانسوی عصر روشـنگری) از وی حمایت تبلیغاتی کرد. «ادوارد شواردنادزه» وزیر وقت خارجه اتحاد جماهیر شوروی، با اشاره تلویحی به ماجرای آیات شیطانی گفت غرب اکنون باید برای ارزش‌های مسلمانان احترام قائل شـود. مقامات دولتی نیز از انتشار کتاب مزبور در این کشور جلوگیری کردند. جیمـی کارتر، از رؤسـای جمهور پیشـین آمریکا کتاب آیات شیطانی را توهین به میلیون‌ها مسلمان توصیف کرد. «کورت والدهایم»، رئیس‌جمهور وقت اتریـش گفت: «در کتاب آیات شـیطانی به کتاب مقدس آسـمانی قرآن توهین شـده است». «کیم ایل‌سونگ»، رهبر وقت کره‌شمالی نیز از حکم امام حمایت کرد. «جان میردال»، نویسـنده سوئدی از امضای بیانیه‌ای در حمایت از رشـدی اجتناب کرد و ضمن تایید واکنش مسلمانان و اقدام امام خمینی، مدافعان نویسنده آیات شیطانی را غلامان و کنیزان لیبرالیسم‌نامید.

«کت اسـتیونس» معروف به «یوسف اسلام»، خواننده مشهور انگلیسی دهه ۷۰ میلادی که سال ۱۹۷۷ مسلمان شده بود، طی بیانیه‌ای حمایت خود را از حکم امام خمینی درباره سلمان رشدی، نویسنده مرتد کتاب آیات شـیطانی اعلام کرد که این اقدام او باعث شد توسـط رسانه‌های اروپایی و آمریکایی تحریم شود و از پخش موسیقی‌های وی تا مدت‌ها خودداری کنند. برخی فروشگاه‌های بزرگ و معتبر نقاط مختلف جهان از بیم حملات یا به احترام افکار عمومی مسلمانان کتاب آیات شیطانی را جمع‌آوری و از عرضـه آن خودداری کردند. بسـیاری از مراکز توزیع آیات شـیطانی در بعضی کشورهای مختلف جهان نیز توسط گروه‌هایی از مردم مورد حمله قرار گرفت و برخی از ناشـران نیز مشمول اجرای حکم الهی شـده و مجازات شدند. تظاهرات مسلمانان و مدافعان حرمـت ادیان الهی در نقاط مختلف اروپا، آمریکا و آسـیا در طول ماه‌ها همچنان ادامه داشت و در خلال بعضی از این اجتماعات تعدادی از مردم کشته یا مجروح شدند. وزرای خارجه ۴۵ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی، ۲۵ اسفند ۶۷ در قطعنامه پایانی خود کتاب سلمان رشدی را یک اثر کفرآمیز اعـلام و شـدیداً آن را محکوم کردند. این قطعنامه همچنیـن به تبعیت از حضرت امـام، ضمن مرتد خواندن سـلمان رشدی، از بنگاه‌های ناشر خواست هرچه سریع‌تر این اثر را از گردش توزیع خارج کنند و کشـورهای اسلامی هر بنگاه انتشـاراتی را که به این درخواسـت احترام نگذارد، تحریم کنند. وزرای فرهنگ و اطلاع‌رسانی کشورهای عضو جنبش عدم تعهد نیز طی اجلاسی هر نوع توهین و هتک حرمت علیه فرهنگ‌ها و ارزش‌های معنوی را محکوم کردند و آن را عملی خلاف روح تفاهم و صلح‌دوسـتی در جهان اعلام کردند. کشـورهای اروپایی پس از آنکه یکباره سفرای خود را از ایران خارج کردند، از ابتدای سال ۶۸ مجبور به بازگشت به ایران شدند و به تدریج با شرمساری سفارتخانه‌های خود را از نو بازگشایی کردند. در پایان آن سال، جامعه اقتصادی اروپا رسماً خواسـتار عادی شـدن روابط با ایران شد. به دنبال اتخاذ مواضعی در محکومیت انتشار آیات شیطانی توسط مقامات انگلیس روابط این دولت با ایران نیز مجدداً برقرار شـد اما به دستور رهبر معظم انقلاب در یک اقدام تنبیهی دیگر - چون انگلیس پیشتاز تحریک سایر دولت‌های اروپایی بود -اجازه بازگشت سفیر آن کشور بعد از ورود سایر سفرای اروپایی و به عنوان آخرین سفیر صادر شد.

■ **امام و افراطی‌گری**

امام خمینی(ره) با آن پیام و اقدامات مشابه آن در مقابله با استکبار و دفاع از مظلومین و مستضعفین این پیام را مخابره کردند که ایستادگی بر اصول به معنای تندروی نیست و آن کسی که برای خوشایند غرب تلاش دارد از بیان مواضع حق خودداری کند، مرتکب ارتجاع و تندروی شده است. اما در سال‌های اخیر دوباره این مسـاله مطرح شـده است که باید از تندروی خودداری کـرد و قرار گرفتن در موضع مخالف با آمریکا از سوی این جریان به تندروی متهم است. جریان نومحافظه‌کاری که منافعش در تلطیف روابط با اسـتکبار است تلاش می‌کند حتی امام را تحریف‌شده به مردم نشان دهد تا مسیر غلط خود را توجیه کند. با این مساله اگر امروز امام خمینی(ره) در قید حیات بودند، جزو افراطی‌ترین اشـخاص در جامعه از سوی نومحافظه‌کاران معرفی می‌شدند!

اشاره

خنثی‌سازی کودتای نوژه به روایت رهبر انقلاب

امشب قرار است کودتا شود...

حجت‌الاسلام ری‌شهری (حاکم شرع وقت دادگاه‌های انقلاب ارتـش) در کتاب خاطرات خود، ضمن تشـریح مفصل ابعاد کودتای نوژه، نوشته است: «در ایام ریاست‌جمهوری معظم‌له اینجانب از ایشـان خواسـتم که برای ثبت در تاریخ، ماجرای کشف کودتای نوژه را به وسیله خلبانـی که به ایشـان مراجعه کـرده، ضمن مصاحبه‌ای تعریف کنند و ایشان نیز پذیرفتند. بعد از مدتی نـوار مصاحبه معظم‌له در اختیار اینجانب قرار گرفت».

وی سپس بخشـی از همان مصاحبه رهبر معظم انقلاب را هم نقل کرده اسـت که با هم ادامه ماجرا را از زبان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌خوانیم:

«ماجرای اطلاع من از کودتایی که در پایگاه شـهید نوژه قرار بود اتفاق بیفتد، به این شکل بود که شـبی حـدود اذان صبـح، دیدم درب منزل ما را می‌زنند، بشدت هم می‌زدند، من از خواب بیدار شدم، رفتم دیدم آقای مقدم است، می‌گوید که یک ارتشی آمده و می‌گوید با شما یک کار واجب دارد. گفتم: کجاست؟ گفتند: در اتاق نشسـته. داخل اتاق پاسدارها شدم، دیدم شخصی دم در تکیه داده به دیوار، کسل، آشفته، خسته و سرش را فرو برده بود. گفتم: شما با من کار دارید؟ بلند شد و گفت: بله! گفتم: چه کار دارید؟ گفت: کار واجبی دارم و فقط به خودتان می‌گویم. من حساس شدم. گفتم: من نمازم را بخوانم، می‌آیم.

پس از نماز او را به داخل حیاط آوردم، گوشه حیاط نشستیم. گفت: کودتایی قرار است انجام شود. گفتم: قضیه چیست و تو از کجا می‌دانی؟ او شـروع کرد به شرح دادن. گفتم: شما چطور شد آمدی سراغ من؟... آنچه گفت این بود که در پایگاه همدان اجتماعی تشکیل شده و تصمیم بر یک کودتایی گرفته شده، پول‌هایی به افراد زیادی داده‌اند، به خـود من [خلبان] هم پول دادند. عده‌ای از تهران جمع می‌شـوند می‌روند همدان و شب در همدان این کار [تصرف پایگاه هوایی شهید نوژه] انجام می‌گیرد. بعد می‌آیند تهران، جماران و چند جا را بمباران می‌کنند.

پرسـیدم کی قرار اسـت این کودتا صورت بگیرد؟ گفت: امشـب و شـاید گفت فردا شب - دقیقاً یادم نیسـت - من دیدم مساله خیلی جدی است و باید آن را پیگیری کنیم. با اینکه احتمال می‌دادم او حال عادی نداشـته باشد یا سیاستی باشد که بخواهند ما را سرگرم کنند اما اصل قضیه این قدر مهم بود که با وجود این احتمالات، دنبال آن باشیم. گفتم: شما بنشین تا من ترتیب کار را بدهم.»

اما نگاهی از آن سو به ماجرا و از زبان همان خلبـان واقعیت دیگری را مشـخص می‌کند: «در آن زمـان من در پایگاه هوایی نوژه خدمت می‌کـردم.... در تهـران، به منزل نعمتی رفتم. به من گفـت: مأموریت تو بمبـاران بیت امام و تلویزیون اسـت و مـا می‌توانیم تا ۵ میلیون نفـر را بکشـیم و اگر هم لازم شـد در یکی از کشورهای حوزه خلیج‌فارس یا روی ناو آمریکا در خلیج‌فارس فرود بیاییم. من به او گفتم: شما با مردم مخالفید یا با حکومت که این همه کشت و کشتار می‌خواهید بکنید؟ گفت: ما با حکومت مخالفیم ولی هرکس هم که بخواهد مانع کار ما بشود چاره‌ای نداریم جز اینکه همه را بکشیم.

این موضوع برای من خیلی ثقیل بود و چون از مخالفـت کردن با آنها هم خصوصاً در منزل نعمتی هراس داشـتم، گفتم: من بیت امام را نمی‌توانم بزنم ولی تلویزیون را می‌زنم.

پـس از کمی صحبت از او جدا شـدم و به خانه‌مان رفتم و موضوع را با مادرم که زنی ساده و مسلمان بود در میان گذاشتم. مادرم بشدت ناراحت شـد و گفت: تو نه‌تنها این کار را نباید بکنـی، بلکه باید خبر بدهـی و جلوی این کار را بگیـری و اگر اطلاع ندهی شـیرم را حلالت نمی‌کنم و از تو رضایت ندارم. بالاخره تا ساعت ۱۲ شب با مادرم و برادر کوچک‌ترم درباره این موضـوع صحبت می‌کردیـم و تصمیم گرفتم موضوع را به جایی یا به کسی اطلاع بدهم ولی چون نعمتی گفته بود در جاهای مختلف... نفر داریم و خیلی‌ها از جمله شریعتمداری این کار را تایید کرده‌اند، می‌ترسـیدم به هر کسی این موضـوع را بگویم. تصمیم گرفتم موضوع را به آقـای خامنـه‌ای بگویم و بـرای محکم‌کاری، موضوع را روی کاغذ نوشتم و در خانه گذاشتم و به برادرم گفتم: اگر بلایی سر من آمد و برنگشتم به هر ترتیبی شده این موضوع را در جایی خبر بدهد و جلوی این کار را بگیرد. ساعت ۱۲:۳۰ از خانه بیرون آمدم و به کمیته تلفن زدم و گفتم یک خبر خیلی مهمـی دارم که باید حتماً به آقای خامنه‌ای بگویم. مرا به کمیته بردند و چون زیاد سـوال می‌کردند، گفتـم: من یک خلبان هسـتم و موضوع براندازی در کار است. ساعت ۴:۳۰ صبح بود. رفتیم منزل آیت‌الله خامنه‌ای و جریان را برای ایشـان گفتم و ایشان دیگران را مطلع کردند».

(خاطره‌هـا، آیت‌الله ری‌شـهری، جلد اول، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صفحات ۱۴۱ تا ۱۴۳)